نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی
دوره هفتم، بهار ۱۴۰۲، شماره اول، صفحات ۱۱۷ تا ۱۱۸

نامه به سردبیر

حکمرانی مشارکتی در برنامه‌های حمایت غذایی: از آرزو تا واقعیت

مونا پورقادری[۱]، نسرین امیدوار[۲]، امیرحسین تکیان[۳*]

۱. دکترای تخصصی سیاست‌های غذا و تغذیه، مرکز تحقیقات عدالت در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۲. استاد، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۳. * **نویسنده مسئول:** استاد، دانشکده بهداشت، مرکز تحقیقات عدالت در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران، takian@tums.ac.ir

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶

سردبیر محترم نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی

با توجه به وجود ذی‌نقشان متعدد و متنوع در حوزه امنیت غذایی با سطوح متفاوتی از نظر اهمیت و نفوذ که انگیزه و اهداف متفاوت و گاه متناقض برای تعامل و همکاری دارند و نیز احتمال به حاشیه رانده شدن برخی از ذی‌نقشان توسط ذی‌نقشان قدرتمندتر، وضوح در هر پیشنهاد یا مداخله‌ای که مدعی استفاده از رویکردهای مشارکتی است را ضروری می‌سازد. از این رو، نویسندگان خلاصه سیاستی با عنوان «حکمرانی مشارکتی در حمایت غذایی از اقشار آسیب‌پذیر: تلاقی هم‌افزایی و نوآوری» منتشر شده در نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی (پاییز ۱۴۰۱، دوره ششم، شماره سوم)، لازم دیدند نظرات و بحث تکمیلی خود را درباره حکمرانی مشارکتی در برنامه‌های حمایت غذایی با توجه به بافتار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور مطرح سازند.

ساختارهای مناسب حکمرانی، لازمه تصمیمات کارآمد در جهت منافع عمومی، مدیریت منابع به روشی محتاطانه و ارائه خدمات به شکلی کارا و مؤثر است (۱). پرداختن به حکمرانی، بدون شک برای اطمینان از دستیابی به اهداف و اجرای مؤثر سیاست‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های امنیت غذایی در عمل، موردنیاز است و بی‌توجهی به آن، به احتمال زیاد منجر به تشدید تعارض‌ها در استفاده از منابع کمیاب و ایجاد ناامنی غذایی خواهد شد. دراین میان، حکمرانی مشارکتی به‌منظور جایگزینی حالت‌های رقابتی و رئیس‌مآبانه در اتخاذ و اجرای سیاست‌ها مطرح شده است. وجه تمایز این رویکرد، درگیر کردن ذی‌نقشان بخش خصوصی و دولتی و نیز جامعه مدنی از طریق جلسات گروهی، تصمیم‌گیری اجماع محور و رسمی در تمام مراحل سیاست‌گذاری است (۲). مشارکت، به‌عنوان مفهومی مورد مناقشه و ایدئولوژیک، امری کاملاً سیاسی است که با کنترل، قدرت و نیز توانمندسازی مرتبط است. میزان اشتراک قدرت در تصمیم‌گیری بسته به نوع مشارکت (سطح مشارکت) متفاوت است. مشارکت واقعی زمانی رخ می‌دهد که قدرت و کنترل به اشتراک گذاشته شود و شرکا بتوانند بر نتایج اثر بگذارند. لیکن به نظر می‌رسد برای شکل‌گیری حکمرانی مشارکتی جدید در حمایت از امنیت غذایی اقشار آسیب‌پذیر، نیازمند تغییر و اصلاحات هدفمند در وضعیت حکمرانی، مشارکت ذی‌نقشان جدید و دور تازه‌ای از تولید دانش یا تعریف منابع هستیم تا پیامد حاصل از آن موجب تغییر مثبتی در دسترسی به غذای کافی توسط اقشار آسیب‌پذیر و حرکت موضوع به سطح بالاتری از اهمیت اجتماعی شود؛ چراکه درک رابطه بین دسترسی به غذا و رفاه در طراحی سیاست‌های رفاه اجتماعی بسیار مهم است.

مسیر اشتباه در برخورد با پدیده‌های پیچیده اجتماعی، بررسی آنها از یک لنز بسیار باریک است؛ لذا نگاهی بلندمدت و رویکرد سیستمی موردنیاز است. نظام‌های حکمرانی مشارکتی، نیازمند بسیج و مدیریت نهادها، شبکه‌ها، فرآیندها و رهبری هستند. همه این ابعاد در طول زمان در معرض تغییر هستند؛ به‌طوری‌که نهادها کندترین تغییر را دارند و رهبری و فرآیندها در برابر تغییرات و رویدادهای خارجی پویاترین و آسیب‌پذیرترین هستند (۳). ایجاد ساختارهای حکمرانی مشارکتی مستلزم یک چشم‌انداز گسترده، صبر و انعطاف‌پذیری برای متوازن‌کردن، یکپارچه‌سازی و هماهنگ کردن این بخش‌های متحرک در طول زمان است. توصیه دیگر، استفاده از رویکرد طراحی است. اندیشیدن در مورد شرایط یا مشکل از دیدگاه طراحی، ناگزیر یک ارزیابی دقیق از شرایط یا مشکل و زمینه نظامی که وجود دارد را لازم می‌سازد. بخشی از بافت این نظام، اقتصاد سیاسی و ماهیت و منابع قدرت و اقتدار است که در صورت نامتعادل بودن باید درباره چگونگی تعادل‌بخشی به پویایی قدرت از طریق طراحی اندیشید. همچنین، بایستی ارزش افزوده یا مزیت مشارکتی را در مقابل سایر جایگزین‌ها نشان داد و از وجود محرک‌های کافی و محدودیت‌ها در هنگام طراحی برای حکمرانی مشارکتی آگاه بود. الزامات نهادی اعم از قوانین، مقررات، قراردادها یا هنجارها مواردی هستند که اغلب در سطوح مختلف، نیازمند درک، رعایت و توجه لازم هستند. حتی در برخی موارد باید نهادهای جدید و الزامات قضایی برای رسیدگی لحاظ شود. چارچوب‌های زمانی موردنیاز برای حکمرانی مشارکتی اعم از مهلت‌ها یا زمان‌بندی‌های مهم خارجی، مهلت‌های تأمین مالی و

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.22034/7.1.16]

چرخه‌های انتخاباتی نیز باید در نظر گرفته شوند. مسائل مربوط به منابع، کارکنان و تدارکات برای برنامه‌ریزی نیز بخش مهم دیگری است که نیازمند توجه در زمان طراحی است. در این میان، اهمیت رهبری و تمرکز بر رهبری مؤثر مطرح می‌شود که چیزی فراتر از اجرای ماهرانه وظایف است. اگر رهبری مشارکتی با ویژگی‌های موردنظر وجود نداشته باشد، ممکن است قبل از حرکت به جلو، نیاز به سرمایه‌گذاری اولیه و چه بسا پایدار در آموزش و تعلیم مهارت‌های رهبری و ایجاد دانش یا آگاهی لازم در این زمینه باشد.

تردیدی وجود ندارد که حکمرانی مشارکتی حتی در کشورهای با درآمد بالا، فرایند دشواری است و از نظر منابع و زمان می‌تواند پرهزینه باشد. اگر یک تلاش مشترک با شکست مواجه شود، اثرات آن می‌تواند مخرب و طولانی‌مدت باشد؛ به‌طوری‌که مشارکت‌کنندگان در آینده کمتر با یکدیگر همکاری خواهند کرد و هرگونه دستاوردی را که در ایجاد سرمایه اجتماعی و یادگیری مشارکتی به دست می‌آید پس می‌زنند. از طرفی، به نظر می‌رسد حکمرانی مشارکتی در کشورهای با درآمد متوسط و پایین با دولت‌های ضعیف، زیرساخت‌های نهادی که اغلب به‌شدت سلسله‌مراتبی هستند، بی‌ثباتی سیاسی، منابع، مهارت‌ها و رهبری محدود و نیز آلودگی نظام‌های اجتماعی و سیاسی به حمایت یا فساد ریشه‌دار، چالش‌برانگیزتر باشد. به اعتقاد صاحب نظران، همه این چالش‌ها به فقدان انگیزه برای عبور از مرزهای سازمانی برای کار با یکدیگر، تلاش برای نوآوری و مسئولیت‌پذیری مشترک می‌انجامد. از سوی دیگر، در این دسته از کشورها تلاش جدی برای گسترش ادبیات در این حوزه صورت نگرفته است. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد یک پاسخ معقول می‌تواند این باشد که از آرزوی حکمرانی مشارکتی یک پله به عقب برگردیم و در عوض بر ارتباطات، هماهنگی و همکاری تمرکز کنیم. این رویکرد ساده‌تر می‌تواند نظام حکمرانی را تثبیت کند، نقش‌ها و مسئولیت‌ها را روشن نگاه دارد و آشفتگی و خطر اشتراک قدرت را در شرایطی که هنوز آمادگی تصمیم‌گیری مشترک فراهم نیست، کاهش دهد. به نظر می‌رسد همان‌طور که ماهی ممکن است از آبی که آن را احاطه کرده است، بی خبر باشد؛ جریان‌هایی از رفتار یا مضامین فرهنگی و ادراکی وجود دارند که افراد ناخواسته از طریق آنها رفتار می‌کنند که مانع یا موتور محرکه همکاری مؤثر می‌شود. تحقیقات آینده با هدف روشن‌کردن این مفاهیم و فرایندها، لازم است با تمرکز بر موانع و تسهیل‌کننده‌های مشارکت به‌منظور انتقال قدرت به ذی‌نقشان و اعطای اختیار تنظیم و اجرای برنامه‌ها با گرایش اقتصاد سیاسی انجام شوند.

منابع

1. Pérez-Escamilla R. Food Security and the 2015–2030 Sustainable Development Goals: From Human to Planetary Health: Perspectives and Opinions. Current Developments in Nutrition 2017; 1(7): e000513.
2. Ansell C, Gash A. Collaborative governance in theory and practice. Journal of public administration research and theory 2008; 18(4): 543-71.
3. Emerson K. Collaborative governance of public health in low-and middle-income countries :lessons from research in public administration. BMJ Global Health 2018; 3(Suppl 4): e000381.

Letter to Editor

Collaborative Governance in Food Assistance Programs: From Wish to Reality

Mona Pourghaderi[1], Nasrin Omidvar[2], Amirhossein Takian[3*]

1. PhD in Food and Nutrition Policy, Health Equity Research Center (HERC), Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
2. Professor, School of Nutrition Sciences and Food Technology, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
3. ***Corresponding Author:** Professor, School of Public Health, Health Equity Research Center (HERC), Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran, takian@tums.ac.ir

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.22034/7.1.16]